



## کار نیکان را قیاس از خود مگیر برخی از اصول تربیتی در شعر مولانا

○ دکتر منصوره رضایی

به سختی‌ها و زحمت‌هایی که باید برای رسیدن به کمال متحمل شد، اشاره می‌کند:  
گر کمالم، با کمال انکار چیست؟  
ورنیم، این زحمت و آزار چیست؟  
ما چو چنگیم و تو زخمه می‌زنی  
زاری از ما نی، تو زاری می‌کنی



### ب) آیینه‌ات دانی چرا غماز نیست؟

یکی از مسائل مهم در فرآیند تعلیم و تربیت، محاسبه مداوم فرد است. امروزه، تکنیک‌های مختلفی به افراد آموزش داده می‌شود که فعالیت‌های خود را طبق آن پارامترها بسنجند و راحت‌تر به اهداف خود برسند. مولانا نیز بارها در اشعار خود بر مسئله محاسبه نفس و دقت در اعمال تأکید می‌کند. وی وجود انسان را به آینه‌ای تشبیه کرده که باید زنگار غفلت و فراموشی را از آن زدود تا بتوان نقش‌های شفاف را درونش مشاهده کرد.

پس چون آهن گرچه تیره هیكلی  
صیقلی کن صیقلی کن صیقلی  
تا دلت آینه گردد پر صُور  
اندر هر سو ملیحی سیم بر  
آهن هر چه تیره و بی‌نور بود  
صیقلی آن تیرگی از وی زدود  
صیقلی دید آهن و خوش کرد روی  
تا که صورت‌ها توان دید اندرو  
گر تن خاکی غلط و تیره است  
صیقلش کن زآنکه صیقل گیره است

محمد جلال‌الدین بلخی، معروف به مولانا یا مولوی، از بزرگ‌ترین شاعران فارسی‌زبان است. مولوی از مفاخر سرزمین ایران به شمار می‌رود و کمتر کسی را سراغ داریم که به شعر و ادبیات علاقه‌مند باشد، اما تاکنون نام مثنوی معنوی، غزلیات شمس و فیه ما فیه را نشنیده باشد. اگرچه این شاعر شهیر، بزرگ‌ترین شاعر عرفانی ما به شمار می‌رود و سراسر آثارش ذیل ادبیات عرفانی قرار می‌گیرند، اما در بسیاری از ابیات و سطور آثار وی، نکات و مسائل تعلیمی و اخلاقی نهفته است. «توجه به تربیت» از جمله موارد اخلاقی است که همواره مد نظر و مورد تأکید مولانا قرار گرفته و از زوایای گوناگون بررسی شده است. در این مقاله، رویکرد مولانا به مقوله تربیت را بررسی می‌کنیم.



### الف) ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست

یکی از اصول ابتدایی و مهم در فلسفه تعلیم و تربیت، توجه به اصل کمال است؛ به عبارت دیگر، هدف تمام آموزش‌های عالم، رساندن فرد به رشد، تعالی و کمال است. برای دستیابی به این مهم، باید ابتدا جایگاه و منشأ وجود را شناخت؛ سپس هدف تربیت و کمال را مشخص کرد. مولانا بارها این نکته را به مخاطب گوشزد می‌کند که اصل و منشأ ما خداست؛ تمام افعال و اعمالمان با خواست و اراده او انجام می‌شود؛ پس انسان باید همواره به ناظر خود توجه داشته باشد و رفتار خود را بر اساس معیارهایی که از سمت او تعیین شده و مورد تأیید اوست، انجام دهد. در مسئله تربیت نیز وجود مربی و تعیین معیارهای مشخص و قابل‌سنجش، از مهم‌ترین اصول دستیابی به هدف است. مولانا در یک حکایت مثنوی

استادی، شاگردی لوچ و دوبین داشت. روزی به او گفت: «برو از آن حجره، فلان شیشه را برایم بیاور». وقتی شاگرد به شیشه نگاه کرد، فکر کرد دو شیشه آنجاست. پس به استادش گفت: «اینجا دو شیشه است. کدام را بیاورم؟» استاد گفت: «دو تا شیشه در آنجا نیست، بلکه فقط یک شیشه است». شاگرد به علت نقصی که در چشم داشت، همچنان بر حرف خود اصرار می‌کرد. استاد که وضع را چنین دید، گفت: «یکی از آن دو شیشه را بشکن». وقتی شاگرد شیشه را شکست، دید دیگر شیشه‌ای در میان نیست! پس دانست که نقص در چشمانش بوده است. مولانا از این حکایت نتیجه می‌گیرد که انسان باید در فرآیند آموزش، تسلیم استاد باشد و بیش از حد روی حرف خودش اصرار نکند.

چون غرض آمد، هنر پوشیده شد  
صد حجاب از دل به سوی دیده شد

#### ۵) از قیاسش خنده آمد خلق را

مقایسه افراد با یکدیگر، یکی از مسائلی است که روانشناسان و متخصصان تربیتی، آن را مذموم شمرده‌اند. مقایسه افرادی که شرایط یکسانی ندارند، عملی غیرمنطقی و نابخردانه است که عواقب جبران‌ناپذیری دارد. یکی از حکایات معروف مثنوی، داستان طوطی و بقال است که طوطی، خودش را با مشتری کچلی مقایسه می‌کند. طی این تشبیه، نامعقول بودن قیاس به مخاطب نشان داده می‌شود:

جولقی ای سربرهنه می‌گذشت  
با سرب می‌پوش پشت طاس و طشت  
آمد اندر گفت طوطی آن زمان  
بانگ بردرویش زد چون عاقلان  
کز چه ای کل با کلان آمیختی  
تو مگر از شیشه روغن ریختی  
از قیاسش خنده آمد خلق را  
کو چو خود پنداشت صاحب دلق را  
کار پاکان را قیاس از خود مگیر  
گرچه ماند در نبشتن شیر و شیر

#### ج) مشورت، ادراک و هشیاری دهد

مشورت، یکی از اصول اولیه و مهم تعلیم و تربیت است. با مشورت گرفتن از دیگران، دایره دانش و بینش ما گسترده شده و امکانات جدیدی برایمان فراهم می‌شود. مشورت با کودکان و نوجوانان گام بسیار مؤثری در راستای تقویت اعتماد به نفس و رشد شخصیتی آن‌ها به شمار می‌رود. اگر والدین و مربیان با کودکان و نوجوانان مشورت کنند، آن‌ها فضای خانه، مدرسه و اجتماع را امن می‌یابند و بدون ترس از عدم پذیرش، نظرات خود را اظهار می‌کنند. مولانا مشورت را از اصول مورد تأکید اسلام می‌داند و فردگرایی در اندیشه‌ورزی و تصمیم‌گیری را مردود می‌شمارد.

مشورت، ادراک و هشیاری دهد  
عقل‌ها، مرعقل را یاری دهد  
گفت پیغمبر: بکن ای رای زن  
مشورت، کالمستشار مؤتمن

#### د) چشم را بندد غرض از اطلاع

در فرآیند تعلیم و تربیت، مربی و فرد آموزنده، باید تمام تلاش و هم و غم خود را معطوف به هدف خود کنند. ممکن است در این راستا اتفاقاتی رخ دهد که در نگاه اول، برای افراد ناخوشایند است، اما صبر، تلاش و چشم‌پوشی از اغراض نفسانی، یکی از ارکان موفقیت است. مربی باید بدون غرض‌ورزی و قضاوت، به فرآیند تربیت و فرد تحت تربیت، نگاه کند. شخص مورد تعلیم هم باید فضای امن تربیت را احساس کند و مطمئن باشد که تنها هدف از تربیت، رشد و بالندگی اوست.

مولانا بارها انسان‌ها را از غرض‌ورزی بر حذر می‌دارد و معتقد است غرض داشتن، مانع آگاهی و تعالی افراد است. وی در آغاز دفتر سوم مثنوی، طمع و غرض را مانع و سد دانش و آگاهی می‌داند و چنین می‌گوید:

گوش را بندد طمع از استماع  
چشم را بندد غرض از اطلاع  
مولانا در حکایتی تمثیلی، آفت غرض‌ورزی را به تصویر می‌کشد.